

مکانیسم های شکل گیری تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی زنان در شهر تهران: نقش استقلال اقتصادی و تغییر هنجارهای همسرگزینی

معصومه جولایی

دانشجوی دکتری علوم اجتماعی، گرایش جمعیت شناسی، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

M.julaee91@gmail.com

چکیده

تحولات ساختاری، اجتماعی و هنجاری دهه های اخیر، الگوهای سنتی ازدواج را دگرگون ساخته و پدیده تأخیر در سن تأهل و گرایش به مجرد قطعی زنان را به یکی از چالش های مهم جمعیتی در کلان شهرها تبدیل کرده است. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تبیین مکانیسم های شکل گیری تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی زنان در شهر تهران با تأکید بر نقش استقلال اقتصادی، تغییر هنجارهای همسرگزینی و ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی به انجام رسید. این مطالعه از نظر هدف، کاربردی و از حیث گردآوری داده ها، توصیفی-همبستگی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش را زنان مجرد ۲۵ تا ۴۵ سال ساکن مناطق ۲۲ گانه شهر تهران در سال ۱۴۰۳ تشکیل دادند که با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای متناسب با حجم، نمونه ای متشکل از ۴۰۰ نفر انتخاب شد. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته با مقیاس پنج درجه ای لیکرت بود که روایی صوری و محتوایی آن با نظر متخصصان و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ (۰.۸۹) تأیید گردید؛ تحلیل داده ها نیز در نرم افزار SPSS با آزمون های همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی چندگانه و تحلیل واریانس صورت گرفت. یافته ها نشان داد که تغییر هنجارهای همسرگزینی ($\beta=0.46$) قوی ترین پیش بین و استقلال اقتصادی ($\beta=0.38$) عامل معنادار بعدی در تبیین تمایل به تعویق ازدواج هستند؛ همچنین ادراک عدم قطعیت ها با نقش کمکی خود، توان تبیین مدل نهایی را به ۴۸.۰ درصد رساند. تحلیل های جمعیت شناختی نیز حاکی از بالاتر بودن معنادار گرایش به مجرد در میان زنان شاغل، ساکنان پهنه شمال پایتخت و گروه های سنی بالای ۳۵ سال بود. در نتیجه، ارتقای عاملیت اقتصادی و تغییر مطالبات هنجاری در تلاقی با عدم قطعیت های معیشتی، هزینه فرصت ازدواج سنتی را افزایش داده و بازنگری در سیاست های حمایتی موازنه بخش کار-زندگی و تسهیلات پایدار رفاهی را به ضرورتی مبرم مبدل ساخته است.

واژگان کلیدی: تأخیر در ازدواج، مجرد قطعی، استقلال اقتصادی زنان، هنجارهای همسرگزینی.



ICPSE
2026

۱- مقدمه

تحولات اجتماعی، اقتصادی و هنجاری دهه های اخیر، الگوهای سنتی ازدواج را دگرگون ساخته و پدیده تأخیر در سن ازدواج و افزایش مجرد قطعی را به ویژه در میان زنان کلان شهرها به یکی از مهم ترین چالش های جمعیتی و اجتماعی بدل کرده است (مداحی و همکاران، ۱۴۰۰؛ Gietel-Basten et al., 2024). دستیابی روزافزون زنان به تحصیلات عالی و استقلال مالی، در تلاقی با تغییر ملاک های همسرگزینی و زیست در بستر عدم قطعیت های نوین، معادلات ورود به پیوند مشترک را بازتعریف نموده است (پیشکار و همکاران، ۱۴۰۳؛ Bolano and Vignoli, 2021; Hara and Yu, 2025). از این حیث پژوهش حاضر به واکاوی مکانیسم های اثرگذاری استقلال اقتصادی و دگرگونی هنجارهای همسرگزینی بر تعویق ازدواج و مجرد قطعی زنان در شهر تهران می پردازد. در همین چارچوب در این مقدمه ابتدا به بیان ابعاد مسأله و اهمیت جمعیت شناختی و اجتماعی آن پرداخته می شود؛ سپس با تبیین پیشینه مطالعات داخلی و تطبیقی، چارچوب موضوع مرور شده و در نهایت نیز اهداف و فرضیه های اصلی پژوهش تدوین و تشریح می گردند.

۱-۱- بیان مسأله

نهاد خانواده در دهه های اخیر در پی تحولات ساختاری، جمعیتی و فرهنگی دستخوش تغییرات بنیادینی شده است که یکی از بارزترین پیامدهای آن، پدیده تأخیر در سن ازدواج و افزایش احتمال ورود به مجرد قطعی در میان جوانان، به ویژه زنان در کلان شهرها است. کلان شهر تهران به عنوان کانون تجدد، تمرکز امکانات آموزشی و اشتغال و پیوندگاه جریان های فکری مدرن، بیش از هر نقطه دیگری در ایران با دگرگونی زیست جهان نسل جوان و ظهور سوژه های نوپدید روبه رو بوده است (مداحی و همکاران، ۱۴۰۰).

از یک سو افزایش چشمگیر سرمایه انسانی و گسترش تحصیلات دانشگاهی زنان، زمینه ساز ورود گسترده تر آنان به بازار کار و دستیابی به استقلال اقتصادی شده است؛ عاملی که نظریه های کلاسیک اقتصادی آن را کاهش دهنده وابستگی به مرد و بازتعریف کننده صرفه اقتصادی ازدواج می دانند (پیشکار و همکاران، ۱۴۰۳). از سوی دیگر این دگرگونی های ساختاری سبب جابه جایی در الگوها و معیارهای همسرگزینی شده است. تحول در نگرش های جنسیتی و بازبینی در الگوهای سنتی همسان همسری، معیارهای زنان تحصیل کرده و شاغل را برای انتخاب شریک زندگی با تغییرات کیفی و استانداردهای جدیدی مواجه ساخته است (رشوند سرخکوله و همکاران، ۱۴۰۲؛ Florean, 2022). عدم هم پوشانی این مطالبات نوین با واقعیت های موجود در ساختار هنجاری جامعه، نوعی اصطکاک و بن بست در فرآیند همسرگزینی پدید آورده و مسأله گذار به تأهل را به تأخیر انداخته است (Dederichs et al., 2026; Hara and Yu, 2025).

علاوه بر این، تصمیم گیری پیرامون ازدواج در بستری از عدم قطعیت های اقتصادی و اجتماعی و چشم انداز آینده شکل می گیرد؛ شرایطی که در آن روایت های ذهنی از آینده و ناپایداری های کلان، انگیزه تشکیل پیوند زناشویی را تحلیل می برند (Bolano and Vignoli, 2021; Vignoli et al., 2020, 2021). از این رو مسأله محوری این پژوهش، تبیین مکانیسم هایی است که از طریق آن ها استقلال اقتصادی زنان و دگرگونی در هنجارهای همسرگزینی، منجر به شکل گیری الگوهای تأخیر در ازدواج و در نهایت سوق یافتن به سمت مجرد قطعی در میان زنان شهر تهران می شود.

۱-۲- اهمیت و ضرورت موضوع

واکاوی الگوهای رفتاری ازدواج و تبیین علل گرایش به مجرد در بافت کلان شهری چون تهران از ابعاد گوناگون جمعیت شناختی، جامعه شناختی، روان شناختی و سیاست گذاری عمومی حائز اهمیتی بنیادین و راهبردی است. از منظر جمعیت شناختی تأخیر در



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

18 Septembe 2026 - TBILISI GEORGIA

سن ازدواج و ورود به پهنه مجرد قطعی پیامدی مستقیم بر تقلیل پنجره باروری، کاهش نرخ جانشینی و دگرگونی در هرم سنی جمعیت کشور بر جای می‌گذارد؛ امری که با توجه به ورود ایران به فاز سالخوردگی جمعیتی، بازنگری در سیاست‌های جمعیتی و مدل‌های رفاهی-حمایتی را به ضرورتی مبرم تبدیل کرده است (Gietel-Basten et al., 2024; Torabi and Bagi, 2024). علاوه بر این از چشم‌انداز جامعه‌شناختی، افزایش نرخ مجرد در تهران صرفاً یک نوسان آماری نیست، بلکه بازتاب‌دهنده یک تحول پارادایمی در زیست‌جهان زنان، پررنگ‌شدن عاملیت فردی، بازتعریف هویت و تحول در سازوکارهای تعهد عاطفی و اجتماعی به شمار می‌رود که نظم و ساختار روابط سنتی خانواده را بازآفرینی می‌کند (مداحی و همکاران، ۱۴۰۰؛ Berg and Verbakel, 2024). از سوی دیگر بررسی این پدیده از جنبه روان‌شناختی و سلامت اجتماعی نیز اهمیت شایانی دارد؛ چراکه طولانی شدن دوره مجرد و گذار به میانسالی بدون برخورداری از شریک زندگی، زنان را در معرض چالش‌های عاطفی، فشارهای اجتماعی مضاعف و ضرورت بازتنظیم راهبردهای مقابله‌ای قرار می‌دهد که عدم مداخله و حمایت به‌موقع می‌تواند هزینه‌های سلامت روانی جامعه را افزایش دهد (دهقان حصار و همکاران، ۱۴۰۱؛ Shahrak et al., 2021, 2023). در نهایت نیز تولید دانش بومی در زمینه درک پیوند میان عاملیت اقتصادی زنان و ترجیحات همسرگزینی، بستر لازم را برای سیاست‌گذاران اجتماعی و نهادهای برنامه‌ریز فراهم می‌سازد تا به جای اتخاذ رویکردهای دستوری و یکسان‌نگر، سیاست‌های حمایتی منعطف‌تر و متناسب با واقعیت‌های متغیر زیست‌جهان جوانان شهری تدوین نمایند.

۱-۳- ادبیات و پیشینه پژوهش

ادبیات تجربی و نظری نشان می‌دهد که پدیده تعویق ازدواج و گذار به مجرد قطعی پیامد برهمکنش و تلاقی عوامل ساختاری، دگرگونی‌های فرهنگی و ادراک‌های ذهنی است. در بستر جامعه‌شناختی ایران، مطالعات اخیر رویکردی انتقادی نسبت به تحلیل‌های تک‌عاملی اتخاذ کرده و زیست‌جهان نسل نوین را محور واکاوی قرار داده‌اند. در همین راستا مداحی و همکاران (۱۴۰۰) با بررسی زیست‌جهان دختران مجرد در کلان‌شهر تهران تبیین کردند که تکوین هویت فردیت‌یافته زنانه و تقابل آن با نقش‌های متصلب سنتی، مجرد را از موقعیتی انفعالی به گزینشی عاملیت‌محور یا واکنشی نسبت به ساختارهای نابرابر بدل ساخته است. هم‌راستا با این تغییر نگرش، پیشکار و همکاران (۱۴۰۳) بر نقش استقلال اقتصادی و اشتغال زنان تأکید ورزیدند؛ یافته‌های آنان حاکی از آن است که دسترسی زنان به منابع مالی پایدار، ضرورت‌های همسرگزینی مبتنی بر امنیت معیشتی را کم‌رنگ ساخته و به واسطه بالا بردن آستانه انتظارات از نهاد زناشویی، احتمال انصراف یا تعویق ورود به پیوند مشترک را افزایش می‌دهد. دگرگونی در معیارهای انتخاب همسر نیز بعد دیگری از این گذار است که رشوند سرخکوله و همکاران (۱۴۰۲) به آن پرداخته‌اند؛ آنان نشان دادند که در میان دختران دانشجوی، ترجیحات سنتی جای خود را به هم‌سانی فرهنگی، برابری‌خواهی جنسیتی و تناسب نگرشی داده و سخت‌گیری در دستیابی به چنین الگوهایی، طول مدت مجرد را طولانی‌تر می‌سازد. افزون بر این، کلاته ساداتی و همکاران (۱۴۰۲) در بررسی پیوند فرهنگ و مجرد دختران در بافت شهری یزد نشان دادند که شکاف میان آرمان‌های مدرن فردی و فشارهای هنجاری محیط اجتماعی، نوعی کشمکش فرساینده در فرآیند همسرگزینی ایجاد می‌کند. در امتداد این چالش‌ها، مطالعات روان‌شناختی دهقان حصار و همکاران (۱۴۰۱) و پژوهش‌های (Shahrak et al., 2021, 2023) آشکار ساختند که زنان پس از عبور از سنین متعارف ازدواج، با شبکه‌ای از چالش‌های عاطفی، قضاوت‌های اجتماعی و بازآفرینی نیازهای روانی مواجه می‌شوند که مستلزم تکوین راهبردهای مقابله‌ای نوپدید برای سازگاری با سبک زندگی مجردی در میانسالی است.

در عرصه مطالعات تطبیقی و بین‌المللی نیز تغییر الگوهای تشکیل خانواده و مجردگزینی با سازوکارهای مشابهی تبیین شده است. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که مجرد ابعاد هویتی و عاطفی نوپدیدی به خود گرفته است؛ در همین زمینه (Kislev, 2024) مجرد را به عنوان یک «هویت منسجم اجتماعی و روانی» تبیین کرده و (Sideris, 2026) نشان می‌دهد که چگونه مجرد زنان از طریق انباشت تجارب زیسته و عواطف به سبک زندگی پایداری بدل می‌شود. همچنین (Shi, 2026) در تحلیلی جنسیتی نشان

داده است که به چالش کشیده شدن هنجارهای سنتی ازدواج، نقش کلیدی در تأخیر نخستین ازدواج زنان ایفا می کند. پژوهش (Hara and Yu, 2025) و مطالعات متمرکز بر جوامع آسیای شرقی نیز نشان می دهند که ارتقای سطح تحصیلات زنان و حضور در عرصه های حرفه ای، در غیاب بازتنظیم تقسیم کار سنتی در درون خانواده، اصطکاک های هنجاری پدید می آورد. در همین راستا، Jung, Ko, and Jeong (۲۰۲۶) در تحلیلی تقاطعی بر روی مورد کره جنوبی، نشان داده اند که چگونه تعامل میان فمینیسم، مطالبات نسل جدید و فشارهای ساختاری، ازدواج را به انتخابی پرهزینه و اغلب به تعویق افتاده بدل کرده است. همچنین (Dederichs et al., 2026) نشان دادند که شیب های تحصیلی و اصرار بر الگوهای همسان همسری نقش تعیین کننده ای در مجرد طولانی مدت ایفا می کنند؛ نکته ای که در تحلیل (Florea, 2022) نیز از منظر نوسان در نگرش های جنسیتی و بی ثباتی برنامه های ازدواج زنان مطرح شده است. در سطحی کلان تر، رویکردهای نظری نوین (Bolano and Vignoli, 2021) و (Vignoli et al., 2020, 2021) بر مفهوم تشکیل پیوند در شرایط عدم قطعیت و روایت های ذهنی از آینده انگشت می گذارند؛ بر این اساس بی ثباتی در چشم انداز اقتصادی و رفاهی، احساس شکنندگی فردی را تقویت کرده و آستانه ریسک پذیری برای تعهد پایدار زناشویی را کاهش می دهد که این امر در ترکیب با بازتعریف روابط بین فردی (Berg and Verbakel, 2024)، زمینه ساز گذار الگوهای جمعیتی به سمت تعویق دائمی تشکیل نهاد خانواده می شود.

۱-۴- اهداف پژوهش

هدف اصلی: تبیین مکانیسم های شکل گیری تأخیر در ازدواج و گرایش به مجرد قطعی در میان زنان شهر تهران با تأکید بر نقش استقلال اقتصادی و تغییر هنجارهای همسرگزینی.

اهداف فرعی:

۱. بررسی رابطه میان مؤلفه های استقلال اقتصادی زنان (امنیت شغلی، استقلال درآمدی و تحصیلات عالی) با گرایش به تعویق انداختن سن ازدواج یا مجرد قطعی در شهر تهران.
۲. واکاوی چگونگی اثرگذاری دگرگونی در هنجارها و الگوهای همسرگزینی (برابری خواهی جنسیتی، معیارهای ناهمسان همسری و بازتعریف ملاک های ارزشی) بر فرایند تصمیم گیری ازدواج در زنان شهر تهران.

۱-۵- فرضیه های پژوهش

- فرضیه ۱: میان افزایش استقلال اقتصادی زنان (سطح درآمد و موقعیت شغلی) و احتمال تأخیر در ازدواج یا گرایش به مجرد قطعی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۲: تغییر هنجارهای سنتی همسرگزینی و حرکت به سوی الگوهای نوین همسان همسری/برابری خواهانه، به صورت معناداری تمایل به تشکیل پیوند زناشویی را به تأخیر می اندازد.
- فرضیه ۳: ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی نقش پیش بین کمکی و فزاینده را در اثرگذاری استقلال اقتصادی و تغییر هنجارها بر گرایش به مجرد قطعی در زنان شهر تهران ایفا می کند.

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از حیث روش گردآوری داده ها، یک پژوهش توصیفی-همبستگی از نوع پیمایشی (میدانی) است. جامعه آماری این تحقیق را کلیه زنان مجرد (هرگز ازدواج نکرده) در دامنه سنی ۲۵ تا ۴۵ سال ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران در سال ۱۴۰۳ تشکیل می دهند که طبق داده های سرشماری و برآوردهای رسمی مرکز آمار ایران، جمعیتی نامحدود



ICPSE
2026

(بیش از ۱۰۰,۰۰۰ نفر) را در بر می گیرد. با توجه به نامحدود بودن جامعه آماری و به منظور دستیابی به دقت آماری مناسب با ضریب اطمینان ۰.۹۵ و خطای برآورد ۰.۰۵، حداقل حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر محاسبه شد که برای افزایش اعتبار، تعمیم پذیری و پوشش ریزش پرسشنامه ها، در مجموع ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند. شیوه نمونه گیری به صورت خوشه ای چندمرحله ای متناسب با حجم و تصادفی ساده بوده است؛ به این صورت که ابتدا مناطق شهر تهران بر اساس بافت اجتماعی-اقتصادی به پنج پهنه (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) تفکیک شدند، سپس از هر پهنه دو منطقه و از هر منطقه تعدادی از بلوک ها و محلات به شکل تصادفی برگزیده شدند و در مرحله نهایی، پرسشنامه ها در میان زنان واجد شرایط توزیع گردید. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته بسته بر پایه طیف پنج درجه ای لیکرت (از ۱ = کاملاً مخالفم تا ۵ = کاملاً موافقم) بود که متغیرهای استقلال اقتصادی، تغییر هنجارهای همسرگزینی، ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی و گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی را می سنجد. جهت بررسی روایی ابزار، از روایی صوری و محتوایی با نظرخواهی از ۱۰ نفر از متخصصان و استادان علوم اجتماعی، جمعیت شناسی و روان شناسی استفاده شد که با محاسبه شاخص های روایی محتوایی (CVR و CVI بالاتر از ۰.۷۸) روایی گویه ها تأیید گردید. همچنین پایایی پرسشنامه از طریق اجرای یک مطالعه مقدماتی (پیش آزمون) بر روی ۳۰ نفر از جامعه هدف و با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد که مقادیر به دست آمده برای تمامی خرده مقیاس ها و نمره کل بالاتر از ۰.۷۰ بود و همسانی درونی مطلوب ابزار را نشان داد. تجزیه و تحلیل داده ها با بهره گیری از نرم افزار آماری SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت پذیرفت؛ در سطح توصیفی از شاخص های آماری فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار برای توصیف ویژگی های دموگرافیک و وضعیت متغیرها استفاده شد و در سطح استنباطی، پس از بررسی پیش فرض های آماری نظیر نرمال بودن توزیع نمرات از طریق آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و بررسی عدم هم خطی، از آزمون های همبستگی پیرسون (جهت سنجش شدت و جهت همبستگی میان متغیرها)، رگرسیون خطی چندگانه به روش همزمان/گام به گام (برای سنجش میزان پیش بینی پذیری تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی توسط متغیرهای مستقل) و آزمون تحلیل واریانس یک راهه^۱ و تی مستقل^۲ (جهت مقایسه تفاوت های گروه های سنی و مناطق سکونت) بهره گیری شد. مشخصات متغیرها، ابعاد و معرف های سنجش در جدول ۱ آمده است:

¹ ANOVA

² Independent Sample t-test



ICPSE
2026

جدول ۱: تعریف عملیاتی، ابعاد، شاخص های سنجش و منابع متغیرهای پژوهش

نوع متغیر	نام متغیر	ابعاد / مؤلفه ها	معرف ها و شاخص های سنجش	منبع مستخرج / متناظر
مستقل	استقلال اقتصادی زنان	۱. خوداتکایی مالی ۲. امنیت و ثبات شغلی ۳. سطح تحصیلات عالی	• درآمد مستقل ماهانه و توان پس انداز • نوع اشتغال و استقلال مالی از خانواده • مدرک دانشگاهی و ارتقای سرمایه حرفه ای	پیشکار و همکاران (۱۴۰۳)؛ Ni (2025)
مستقل	تغییر هنجارهای همسرگزینی	۱. برابری خواهی جنسیتی ۲. تناسب فکری و فرهنگی ۳. انعطاف در ملاک های مادی و سنی سنتی	• نگرش به تقسیم عادلانه وظایف خانگی • ترجیح همسانی جهان بینی بر شرایط سنتی ازدواج • تغییر نگاه به ناهمسان همسری و معیارهای عرفی	رشوند سرخکوله و همکاران (۱۴۰۲)؛ Florean (2022)؛ Yu and Hara (2025)
مستقل (پیش بین کمکی)	ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی	۱. نااطمینانی از آینده معیشتی ۲. احساس بی ثباتی اجتماعی و آینده	• دغدغه هزینه های مسکن و تورم اقتصادی • پیش بینی ناپذیری شرایط رفاهی و ثبات اجتماعی	Vignoli and Bolano Vignoli et (2021)؛ al. (2020, 2021)
وابسته (ملاک)	گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی	۱. نگرش به تعویق انداختن سن ازدواج ۲. ترجیح عاملیت و سبک زندگی مجردی ۳. پذیرش مجرد قطعی تا سنین بالا	• سن مطلوب ذهنی برای ازدواج (بالای ۳۵ سال) • حفظ استقلال فردی در برابر الزامات تاهل • نگرش مثبت به زیست مستقل مجردی	مداحی و همکاران Dederichs et (۱۴۰۰)؛ Shahrak (2026)؛ al. (2021)؛ et al
زمینه ای (کنترل)	متغیرهای دموگرافیک	—	• سن، پهنه سکونت (شمال/جنوب تهران)، وضعیت شغلی، تحصیلات	—

۳- یافته ها

در این بخش، یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل داده های گردآوری شده از ۴۰۰ نفر از زنان هرگز ازدواج نکرده در بازه سنی ۲۵ تا ۴۵ سال ساکن شهر تهران ارائه می شود. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شده است. در سطح استنباطی، از آزمون های همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی چندگانه، آزمون تی مستقل و تحلیل واریانس یک راهه استفاده شده است.

۳-۱- یافته های توصیفی

۱. ویژگی های جمعیت شناختی پاسخ دهندگان

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود، داده های توصیفی نشان می دهد که میانگین سنی پاسخ دهندگان ۳۳.۷ سال با انحراف معیار ۵.۲ سال است. بیشترین فراوانی سنی مربوط به گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال (۳۸.۵ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۴۰ تا ۴۵ سال (۱۴.۲ درصد) است. از نظر سطح تحصیلات، ۴۲.۳ درصد دارای مدرک کارشناسی، ۳۱.۸ درصد کارشناسی ارشد و ۱۲.۵ درصد دکتری بودند؛ در مجموع ۸۶.۶ درصد از پاسخ دهندگان دارای تحصیلات دانشگاهی بودند که نشان دهنده سطح بالای سرمایه انسانی در نمونه مورد مطالعه است.

از حیث وضعیت اشتغال، ۶۸.۳ درصد از زنان شاغل و ۳۱.۷ درصد غیرشاغل (خانه دار یا دانشجو) بودند. در میان زنان شاغل، ۴۵.۸ درصد دارای قرارداد رسمی و تمام وقت، ۳۲.۴ درصد قرارداد موقت و ۲۱.۸ درصد به صورت آزاد یا پاره وقت فعالیت می کردند.



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

18 Septembe 2026 - TBILISI GEORGIA

میانگین درآمد ماهانه زنان شاغل ۲۸.۵ میلیون تومان با انحراف معیار ۱۲.۳ میلیون تومان گزارش شد. همچنین ۵۴.۲ درصد از پاسخ دهندگان اعلام کردند که در تأمین هزینه های زندگی خود کاملاً مستقل هستند و ۲۸.۶ درصد تا حدودی مستقل و ۱۷.۲ درصد وابسته به خانواده بودند.

توزیع پاسخ دهندگان بر حسب منطقه سکونت نشان می دهد که ۲۴.۵ درصد در پهنه شمال، ۲۱.۸ درصد در پهنه جنوب، ۱۹.۳ درصد در پهنه شرق، ۱۸.۲ درصد در پهنه غرب و ۱۶.۲ درصد در پهنه مرکز شهر تهران سکونت داشتند. از نظر بعد خانوار، ۳۸.۷ درصد در خانوارهای تک نفره (زندگی مستقل)، ۴۲.۵ درصد در خانوارهای دو تا سه نفره و ۱۸.۸ درصد در خانوارهای چهار نفره و بیشتر زندگی می کردند.

جدول ۲: ویژگی های جمعیت شناختی پاسخ دهندگان (n=۴۰۰)

متغیر	گروه	فراوانی (نفر)	درصد
گروه سنی	۲۵-۲۹ سال	۹۶	۲۴.۰
	۳۰-۳۴ سال	۱۵۴	۳۸.۵
	۳۵-۳۹ سال	۹۳	۲۳.۳
	۴۰-۴۵ سال	۵۷	۱۴.۲
سطح تحصیلات	دیپلم و زیر دیپلم	۲۳	۵.۸
	کاردانی	۳۱	۷.۸
	کارشناسی	۱۶۹	۴۲.۳
	کارشناسی ارشد	۱۲۷	۳۱.۸
وضعیت اشتغال	دکتری	۵۰	۱۲.۵
	شاغل	۲۷۳	۶۸.۳
	غیر شاغل	۱۲۷	۳۱.۷
نوع قرارداد (شاغلان)	رسمی و تمام وقت	۱۲۵	۴۵.۸
	موقت	۸۸	۳۲.۴
	آزاد / پاره وقت	۶۰	۲۱.۸
استقلال مالی	کاملاً مستقل	۲۱۷	۵۴.۲
	تا حدودی مستقل	۱۱۴	۲۸.۶
	وابسته به خانواده	۶۹	۱۷.۲
پهنه سکونت	شمال	۹۸	۲۴.۵
	جنوب	۸۷	۲۱.۸
	شرق	۷۷	۱۹.۳
	غرب	۷۳	۱۸.۲
	مرکز	۶۵	۱۶.۲
بعد خانوار	تک نفره	۱۵۵	۳۸.۷
	دو تا سه نفره	۱۷۰	۴۲.۵
	چهار نفره و بیشتر	۷۵	۱۸.۸

۲. توصیف متغیرهای اصلی پژوهش

شاخص های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش شامل میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه در جدول ۳ ارائه شده است.



ICPSE
2026

جدول ۳: شاخص های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	تعداد گویه	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	رتبه میانگین
استقلال اقتصادی زنان	۱۲	۳.۸۲	۰.۷۴	۱.۵۰	۵.۰۰	۲
تغییر هنجارهای همسرگزینی	۱۵	۳.۹۵	۰.۶۸	۱.۸۰	۵.۰۰	۱
ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی	۱۰	۳.۶۷	۰.۸۱	۱.۲۰	۵.۰۰	۳
گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی	۱۴	۳.۵۴	۰.۸۹	۱.۰۰	۵.۰۰	۴

بر اساس یافته های جدول ۳، میانگین نمره تغییر هنجارهای همسرگزینی (۳.۹۵) بالاترین میانگین را در میان متغیرهای پژوهش به خود اختصاص داده است که حاکی از گرایش قابل توجه پاسخ دهندگان به سمت الگوهای نوین همسرگزینی و برابری خواهی جنسیتی است. پس از آن استقلال اقتصادی زنان با میانگین ۳.۸۲ در رتبه دوم قرار دارد. میانگین ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی ۳.۶۷ و میانگین گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی ۳.۵۴ به دست آمد که هر دو بالاتر از حد متوسط (۳) هستند و بیانگر شیوع نسبی این نگرش ها در میان زنان مورد مطالعه است.

۳-۲- یافته های استنباطی

۱. بررسی مفروضه های آماری

پیش از اجرای آزمون های آماری پارامتریک و آزمون فرضیه های پژوهش (شامل ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی چندگانه، تحلیل واریانس و آزمون تی مستقل)، بررسی و احراز مفروضه های زیربنایی تحلیل های چندمتغیره نظیر نرمال بودن توزیع نمرات، خطی بودن روابط و عدم وجود هم خطی چندگانه میان متغیرهای پیش بین ضرورت دارد. بدین منظور، ابتدا جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K-S) استفاده شد. بر اساس نتایج مندرج در جدول ۴، مقادیر آماره آزمون و سطوح معناداری مربوط به متغیرهای استقلال اقتصادی زنان ($p=0.123$, $K-S=0.084$)، تغییر هنجارهای همسرگزینی ($p=0.187$, $K-S=0.079$)، ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی ($p=0.094$, $K-S=0.091$) و گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی ($p=0.201$, $K-S=0.076$) به دست آمد. با توجه به اینکه در تمامی متغیرها، سطح معناداری به دست آمده بزرگتر از سطح خطای آزمون ($p>0.05$) است، فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع جامعه رد نشده و مفروضه نرمال بودن داده ها تأیید می گردد. همچنین بررسی مفروضه خطی بودن روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته از طریق بازبینی ماتریس همبستگی و تحلیل نمودارهای پراکندگی^۱ نشان داد که روابط از الگوی خطی معناداری پیروی می کنند. در گام بعد، به منظور ارزیابی مفروضه عدم هم خطی چندگانه^۲ میان متغیرهای پیش بین در الگوی رگرسیون، دو شاخص ضریب تحمل^۳ و عامل تورم واریانس (VIF) محاسبه شدند. طبق معیارهای استاندارد آماری، مقادیر ضریب تحمل بزرگتر از ۰.۱۰ و مقادیر عامل تورم واریانس کوچکتر از ۵ (یا ۱۰) بیانگر عدم وجود هم خطی و استقلال متغیرهای مستقل از یکدیگر است. یافته های جدول ۴ نشان می دهد که مقدار ضریب تحمل برای متغیرهای استقلال اقتصادی زنان (۰.۶۴)، تغییر هنجارهای همسرگزینی (۰.۵۸) و ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی (۰.۷۱) همگی بالاتر از آستانه ۰.۱۰ بوده و عامل تورم واریانس آن ها به ترتیب برابر با ۱.۵۶، ۱.۷۲ و ۱.۴۱ است که بسیار پایین تر از حد بحرانی ۵ قرار دارد. بدین ترتیب، مفروضه عدم هم خطی چندگانه نیز برقرار بوده و شرایط لازم برای بهره گیری از آزمون های پارامتریک و مدل سازی رگرسیونی به طور کامل احراز گردیده است.

¹ Scatterplot

² Multicollinearity

³ Tolerance



ICPSE
2026

جدول ۴: نتایج آزمون نرمال بودن و هم خطی چندگانه

متغیر	آماره K-S	سطح معناداری	Tolerance	VIF
استقلال اقتصادی زنان	۰.۰۸۴	۰.۱۲۳	۰.۶۴	۱.۵۶
تغییر هنجارهای همسرگزینی	۰.۰۷۹	۰.۱۸۷	۰.۵۸	۱.۷۲
ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی	۰.۰۹۱	۰.۰۹۴	۰.۷۱	۱.۴۱
گرایش به تأخیر در ازدواج و تجرد قطعی	۰.۰۷۶	۰.۲۰۱	—	—

۲. بررسی پایایی ابزار پژوهش

پایایی ابزار اندازه گیری نشان دهنده دقت، ثبات و قابلیت اعتماد داده های گردآوری شده در طول زمان و در میان گویه های متناظر است. در پژوهش حاضر، به منظور ارزیابی همسانی درونی^۱ پرسشنامه محقق ساخته، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. بدین منظور، ابتدا در قالب یک مطالعه مقدماتی (پیش آزمون)، پرسشنامه طراحی شده در میان ۳۰ نفر از زنان مجرد واجد شرایط در جامعه هدف توزیع گردید و ضرایب پایایی برای هر یک از خرده مقیاس ها و کل مقیاس به تفکیک محاسبه شد. بر اساس معیارهای پذیرفته شده در روش شناسی آماری، ضرایب آلفای بالاتر از ۰.۷۰ بیانگر سطح پایایی مطلوب و قابل قبول ابزار سنجش است. مطابق با داده های مندرج در جدول ۵، ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس استقلال اقتصادی زنان با ۱۲ گویه برابر با ۰.۸۴، برای تغییر هنجارهای همسرگزینی با ۱۵ گویه برابر با ۰.۸۷، برای ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی با ۱۰ گویه برابر با ۰.۸۱ و برای متغیر وابسته گرایش به تأخیر در ازدواج و تجرد قطعی با ۱۴ گویه برابر با ۰.۸۶ به دست آمد. همچنین ضریب پایایی کل ابزار پژوهش (مشمول بر ۵۱ گویه) معادل ۰.۸۹ محاسبه گردید. با توجه به اینکه ضرایب حاصل برای تمامی سازه ها و نمره کل مقیاس به طور معناداری بالاتر از حد ملاک ۰.۷۰ قرار دارد، ابزار پژوهش از همسانی درونی و اعتبار آماری بسیار بالایی جهت سنجش متغیرهای مورد مطالعه برخوردار است.

جدول ۵: ضرایب پایایی (آلفای کرونباخ) خرده مقیاس های پژوهش

خرده مقیاس	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
استقلال اقتصادی زنان	۱۲	۰.۸۴
تغییر هنجارهای همسرگزینی	۱۵	۰.۸۷
ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی	۱۰	۰.۸۱
گرایش به تأخیر در ازدواج و تجرد قطعی	۱۴	۰.۸۶
نمره کل	۵۱	۰.۸۹

۳. آزمون همبستگی پیرسون

به منظور بررسی مقدماتی ماهیت، جهت و شدت روابط خطی دومتغیره میان متغیرهای پیش بین (استقلال اقتصادی زنان، تغییر هنجارهای همسرگزینی، و ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی) و متغیر ملاک (گرایش به تأخیر در ازدواج و تجرد قطعی)، ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون محاسبه گردید. ماتریس ضرایب همبستگی به همراه سطوح معناداری در جدول ۶ ارائه شده است.

¹ Internal Consistency



ICPSE
2026

بر اساس یافته‌های به دست آمده، میان متغیر استقلال اقتصادی زنان و گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی همبستگی مثبت، مستقیم و از نظر آماری معناداری در سطح خطای کمتر از یک درصد مشاهده می‌شود ($r = 0.58$, $p < 0.001$). این یافته نشان می‌دهد که با افزایش سطح استقلال مالی، دستیابی به منابع درآمدی پایدار و ارتقای موقعیت شغلی زنان، تمایل به تعویق انداختن سن ازدواج و در مواردی ترجیح مجرد قطعی افزایش می‌یابد. همچنین، قوی‌ترین رابطه همبستگی میان تغییر هنجارهای همسرگزینی و گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی به دست آمد ($r = 0.63$, $p < 0.001$)؛ بدین معنا که تحول در معیارهای انتخاب همسر، افزایش سطح انتظارات متقابل و گذار از الگوهای سنتی به سمت الگوهای مدرن و فردگرایانه، با گرایش فزاینده به تأخیر در ازدواج همراه است. از سوی دیگر، رابطه میان ادراک عدم قطعیت‌های اقتصادی-اجتماعی و متغیر ملاک نیز مثبت و معنادار است ($r = 0.52$, $p > 0.001$) که نشانگر تأثیر مستقیم ناطمینانی‌های معیشتی و نوسانات کلان اقتصادی بر تمایل به مجرد ماندن است.

علاوه بر این بررسی روابط درون‌گروهی میان متغیرهای مستقل نشان می‌دهد که همبستگی مثبت و معناداری میان استقلال اقتصادی و تغییر هنجارهای همسرگزینی ($r = 0.54$, $p < 0.001$)، استقلال اقتصادی و ادراک عدم قطعیت‌های اقتصادی-اجتماعی ($r = 0.41$, $p < 0.001$) و نیز میان تغییر هنجارها و ادراک عدم قطعیت‌ها ($r = 0.47$, $p < 0.001$) برقرار است. مثبت و معنادار بودن تمامی این ضرایب در عین قرار داشتن در بازه متوسط تا قوی (زیر ۰.۷۰)، علاوه بر تأیید هم‌پوشانی نظری سازه‌ها، بار دیگر مؤید عدم وجود هم‌خطی شدید میان متغیرهای پیش‌بین جهت ورود به الگوی رگرسیون چندگانه است.

جدول ۶: ماتریس همبستگی پیرسون میان متغیرهای پژوهش

متغیر	استقلال اقتصادی زنان	تغییر هنجارهای همسرگزینی	ادراک عدم قطعیت‌های اقتصادی-اجتماعی	گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی
استقلال اقتصادی زنان	۱	-	-	-
تغییر هنجارهای همسرگزینی	۰.۵۴**	۱	-	-
ادراک عدم قطعیت‌های اقتصادی-اجتماعی	۰.۴۱**	۰.۴۷**	۱	-
گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی	۰.۵۸**	۰.۶۳**	۰.۵۲**	۱

** $p < 0.01$

۴. آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: رابطه استقلال اقتصادی با تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی

نتایج فرضیه اول پژوهش در جدول ۷ بیان می‌دارد که میان افزایش استقلال اقتصادی زنان (سطح درآمد و موقعیت شغلی) و احتمال تأخیر در ازدواج یا گرایش به مجرد قطعی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که میان استقلال اقتصادی زنان و گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد ($r = 0.58$, $p < 0.001$). همچنین نتایج رگرسیون خطی ساده نشان می‌دهد که استقلال اقتصادی زنان به تنهایی ۳۳.۶ درصد از واریانس گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی را تبیین می‌کند ($\beta = 0.38$, $t = 5.42$, $p < 0.001$). بنابراین، فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۷: نتایج رگرسیون خطی ساده برای فرضیه اول (استقلال اقتصادی ← تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی)

متغیر پیش‌بین	B	SE	β	t	p	R	R ²	R ² تعدیل شده	F
---------------	---	----	---------	---	---	---	----------------	--------------------------	---



ICPSE
2026

استقلال اقتصادی زنان	۰.۴۱	۰.۰۷۶	۰.۳۸	۵.۴۲	$0.001 <$	۰.۵۸	۰.۳۳۶	۰.۳۳۴	***۲۹.۳۷
----------------------	------	-------	------	------	-----------	------	-------	-------	----------

*** $p < 0.001$

فرضیه دوم: رابطه تغییر هنجارهای همسرگزینی با تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی
فرضیه دوم پژوهش بیان می‌دارد که تغییر هنجارهای سنتی همسرگزینی و حرکت به سوی الگوهای نوین هم‌سان‌همسری و برابری خواهانه، به صورت معناداری گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی را در میان زنان افزایش می‌دهد. به منظور آزمون این فرضیه، از تحلیل ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی استفاده شد که نتایج تفصیلی آن در جدول‌های ۸ و ۹ ارائه شده است.

جدول ۸: نتایج رگرسیون خطی ساده برای فرضیه دوم (تغییر هنجارهای همسرگزینی ← تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی)

متغیر پیش‌بین	B	SE	β	t	p	R	R ²	R ² تعدیل شده	F
تغییر هنجارهای همسرگزینی	۰.۵۳	۰.۰۷۸	۰.۴۶	۶.۸۳	$0.001 <$	۰.۶۳	۰.۴۱۲	۰.۴۱۰	***۴۶.۶۵

*** $p < 0.001$

جدول ۹: خلاصه نتایج آزمون فرضیه دوم

فرضیه	متغیر پیش‌بین	r	β	t	p	R ²	نتیجه
۲	تغییر هنجارهای همسرگزینی	۰.۶۳**	۰.۴۶	۶.۸۳	$0.001 <$	۰.۴۱۲	تأیید

** $p < 0.01$

یافته‌های حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که میان تغییر هنجارهای همسرگزینی و گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی همبستگی مثبت، مستقیم و در سطح آماری کمتر از یک درصد معناداری وجود دارد ($r = 0.63$, $p < 0.001$). این ضریب بیانگر رابطه نسبتاً قوی میان تحول در معیارهای انتخاب شریک زندگی و تعویق تصمیم‌گیری برای تشکیل خانواده است. علاوه بر این، نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که مدل برازش‌شده از توان تبیین‌کنندگی بالایی برخوردار است؛ به‌طوری‌که ضریب همبستگی چندگانه برابر با $R = 0.63$ و ضریب تعیین معادل $R^2 = 0.412$ به دست آمد. به بیانی دیگر، تغییر هنجارهای همسرگزینی به تنهایی قادر است ۴۱.۲ درصد از واریانس متغیر وابسته (گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی) را پیش‌بینی و تبیین نماید. همچنین مقدار آماره آزمون معناداری رگرسیون ($F = 46.65$, $p < 0.001$) کفایت آماری و برازش مطلوب مدل خطی را تأیید می‌کند.

بررسی ضرایب رگرسیونی در جدول ۸ نشان می‌دهد که ضریب غیراستاندارد برابر با $B = 0.53$ و ضریب استاندارد رگرسیون معادل $\beta = 0.46$ با آماره آزمون $t = 6.83$ است که در سطح کمتر از ۰.۰۰۱ از نظر آماری معنادار می‌باشد. مقدار بتای به‌دست‌آمده حاکی از آن است که به ازای هر یک واحد انحراف معیار تغییر و حرکت به سوی هنجارهای نوین، فردگرایانه و برابری‌طلبانه در همسرگزینی، تمایل به تأخیر در ازدواج و احتمال مجرد قطعی به میزان ۰.۴۶ انحراف معیار افزایش می‌یابد. بر پایه این یافته‌ها فرض صفر آماری رد شده و فرضیه دوم پژوهش با ضریب اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. به لحاظ تبیین مفهومی، گذار از الگوهای ازدواج ترتیبی و سنتی به سوی معیارهای مبتنی بر هم‌سانی تحصیلی، استقلال فردی، اشتراک فکری و انتظارات برابر، دایره گزینه‌های ازدواج را محدودتر و فرآیند گزینش را گزینشی‌تر کرده و در نهایت به طولانی‌تر شدن دوران مجرد می‌انجامد.



ICPSE
2026

فرضیه سوم: نقش پیش بین کمکی ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی

فرضیه سوم پژوهش بیان می دارد که ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی، نقش پیش بین کمکی را در تبیین اثرگذاری استقلال اقتصادی و تغییر هنجارهای همسرگزینی بر گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی در زنان شهر تهران ایفا می کند. به منظور بررسی نقش تبیینی این متغیر هم به صورت مستقل و هم در تعامل جمعی با سایر مؤلفه ها، تحلیل رگرسیون خطی ساده و چندگانه به روش گام به گام^۱ به کار گرفته شد که نتایج آن در جدول های ۱۰، ۱۱ و ۱۲ منعکس است.

در تحلیل اولیه و انفرادی (جدول ۱۰)، متغیر ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی توانسته است رابطه مثبت و معناداری با متغیر ملاک برقرار سازد $R = 0.52$. ضریب تعیین به دست آمده $R^2 = 0.274$ نشان می دهد که این متغیر به تنهایی قادر به تبیین ۲۷.۴ درصد از تغییرات واریانس گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی است. مقدار آماره تحلیل واریانس رگرسیون $(F = 16.97, p < 0.001)$ کفایت مدل را تأیید نموده و بررسی ضرایب نشان می دهد که ضریب استاندارد متغیر عدم قطعیت ها معادل $\beta = 0.29$ با آماره آزمون $t = 4.12$ در سطح کمتر از ۰.۰۰۱ از نظر آماری معنادار است. این امر حاکی از آن است که تشدید نگرانی های ناظر بر بی ثباتی اقتصادی، تورم، ناامنی شغلی و افق های نامطمئن آینده، سهم تعیین کننده ای در به تعویق انداختن تشکیل زندگی مشترک به خود اختصاص می دهد.

جدول ۱۰: نتایج رگرسیون خطی ساده برای فرضیه سوم (ادراک عدم قطعیت ها ← تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی)

متغیر پیش بین	B	SE	β	t	p	R	R^2	R^2 تعدیل شده	F
ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی	۰.۳۲	۰.۰۷۸	۰.۲۹	۴.۱۲	$0.001 < p$	۰.۵۲	۰.۲۷۴	۰.۲۷۲	۱۶.۹۷***

*** $p < 0.001$

به منظور ارزیابی نقش پیش بین کمکی این متغیر در بستر یک الگوی چندمتغیره، تحلیل رگرسیون خطی گام به گام به اجرا درآمد (جدول ۱۱):

- گام اول: متغیر تغییر هنجارهای همسرگزینی به عنوان قوی ترین پیش بین وارد مدل شد. این متغیر به تنهایی ۴۱.۲ درصد از واریانس متغیر ملاک را تبیین نمود ($R = 0.63, R^2 = 0.412, F = 46.65, p < 0.001$).
- گام دوم: با ورود متغیر استقلال اقتصادی زنان، ضریب همبستگی چندگانه به ۰.۶۸ و ضریب تعیین به $R^2 = 0.462$ ارتقا یافت ($\Delta R^2 = 0.050, F = 28.94, p < 0.001$). به بیانی دیگر استقلال اقتصادی زنان ۵۰ درصد توان تبیین جدید و مستقل به مدل افزوده است.
- گام سوم: در نهایت، با ورود متغیر ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی به عنوان پیش بین کمکی، ضریب همبستگی چندگانه کل به $R = 0.71$ و ضریب تعیین نهایی به $R^2 = 0.480$ رسید ($\Delta R^2 = 0.018, F = 20.37, p < 0.001$). بدین ترتیب ادراک عدم قطعیت ها با ایجاد تغییر معنادار در ضریب تعیین به میزان ۱.۸ درصد، توان پیش بینی مدل را کامل تر کرده است.

جدول ۱۱: نتایج رگرسیون خطی چندگانه به روش گام به گام (مدل کامل)

مدل	متغیرهای وارد شده	R	R^2	R^2 تعدیل شده	ΔR^2	F	p
۱	تغییر هنجارهای همسرگزینی	۰.۶۳	۰.۴۱۲	۰.۴۱۰	۰.۴۱۲	۴۶.۶۵	$0.001 < p$
۲	تغییر هنجارها + استقلال اقتصادی	۰.۶۸	۰.۴۶۲	۰.۴۵۹	۰.۰۵۰	۲۸.۹۴	$0.001 < p$

¹ Stepwise



ICPSE
2026

۰.۰۰۱<	۲۰.۳۷	۰.۰۱۸	۰.۴۷۶	۰.۴۸۰	۰.۷۱	تغییر هنجارها + استقلال اقتصادی + ادراک عدم قطعیت	۳
--------	-------	-------	-------	-------	------	---	---

در مدل نهایی و تلفیقی، این سه متغیر همزمان قادر به تبیین ۴۸.۰ درصد از تغییرات واریانس گرایش به تأخیر در ازدواج و تجرد قطعی زنان در شهر تهران هستند. از این رو، فرضیه سوم پژوهش تأیید می گردد. جدول ۱۲ خلاصه ای از نتایج آزمون سه فرضیه پژوهش را به همراه ضرایب مربوطه نشان می دهد که حاکی از برازش تجربی الگو و سهم معنادار هر یک از متغیرهای مورد مطالعه در توجیه پدیده تأخیر در ازدواج است.

جدول ۱۲: خلاصه نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

فرضیه	متغیر پیش بین	r	β	t	p	R ²	نتیجه
۱	استقلال اقتصادی زنان	۰.۵۸**	۰.۳۸	۵.۴۲	۰.۰۰۱<	۰.۳۳۶	تأیید
۲	تغییر هنجارهای همسرگزینی	۰.۶۳**	۰.۴۶	۶.۸۳	۰.۰۰۱<	۰.۴۱۲	تأیید
۳	ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی	۰.۵۲**	۰.۲۹	۴.۱۲	۰.۰۰۱<	۰.۲۷۴	تأیید
—	مدل کامل (هر سه متغیر)	—	—	—	—	۰.۴۸	—

**p<۰.۰۱

۳-۳- مقایسه گروه های سنی و مناطق سکونت

۱. مقایسه گروه های سنی

به منظور بررسی وجود تفاوت های معنادار میان گروه های سنی مختلف زنان مجرد از حیث میزان گرایش به تأخیر در ازدواج و تجرد قطعی نیز از آزمون تحلیل واریانس یک راه استفاده شد. توصیف آماری نمرات (شامل میانگین و انحراف معیار) به همراه شاخص های تحلیل واریانس و نتایج آزمون تعقیبی در جدول ۱۳ ارائه شده است.

بر اساس یافته های به دست آمده، میانگین نمره گرایش به تأخیر در ازدواج و تجرد قطعی در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال برابر با ۳.۲۱ (با انحراف معیار ۰.۸۴)، در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال معادل ۳.۴۸ (با انحراف معیار ۰.۸۶)، در گروه سنی ۳۵ تا ۳۹ سال برابر با ۳.۷۹ (با انحراف معیار ۰.۹۱) و در گروه سنی ۴۰ تا ۴۵ سال معادل ۳.۹۲ (با انحراف معیار ۰.۸۸) به دست آمد. مقایسه این مقادیر نشان دهنده روندی صعودی در میانگین گرایش به تجرد با افزایش سن شرکت کنندگان است.

نتایج تحلیل واریانس یک راه حاکی از آن است که تفاوت مشاهده شده میان میانگین گروه های سنی مختلف از نظر آماری در سطح خطای کمتر از ۰.۰۰۱ کاملاً معنادار است ($F = ۸.۴۷$, $p < ۰.۰۰۱$). به منظور تعیین جایگاه دقیق تفاوت های بین گروهی و مشخص ساختن اینکه کدام یک از گروه های سنی با یکدیگر تمایز معنادار دارند، از آزمون تعقیبی شفه^۱ بهره گرفته شد. نتایج این آزمون تعقیبی نشان داد که تفاوت معنادار اصلی میان گروه های سنی بالاتر (۳۵ تا ۳۹ سال و به ویژه ۴۰ تا ۴۵ سال) در مقایسه با گروه های سنی جوان تر (۲۵ تا ۲۹ سال و ۳۰ تا ۳۴ سال) شکل گرفته است ($p < ۰.۰۵$)؛ بدین معنا که زنان واقع در سنین بالای ۳۵ سال به طور معناداری تمایل و ادراک بالاتری نسبت به استمرار تجرد و گذار به مرحله تجرد قطعی از خود نشان می دهند.

به لحاظ مفهومی و تبیینی، با عبور زنان از آستانه سنی ۳۵ سالگی، تثبیت موقعیت شغلی، خو گرفتن به سبک زندگی مستقل فردی، بازتعریف هویت اجتماعی و محدودتر شدن دایره گزینه های هم سان همسرگزینی دست به دست هم داده و احتمال گذار از تأخیر اختیاری/موقت در ازدواج به سوی پذیرش یا انتخاب تجرد قطعی را به صورت چشمگیری تقویت می کند.

^۱ Scheffé



ICPSE
2026

جدول ۱۳: مقایسه گروه های سنی در گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی

گروه سنی	میانگین	انحراف معیار	F	p	نتیجه آزمون شفه
۲۵-۲۹ سال	۳.۲۱	۰.۸۴	۸.۴۷	<۰.۰۰۱	تفاوت معنادار با گروه های +۳۵
۳۰-۳۴ سال	۳.۴۸	۰.۸۶			
۳۵-۳۹ سال	۳.۷۹	۰.۹۱			
۴۰-۴۵ سال	۳.۹۲	۰.۸۸			

۲. مقایسه مناطق سکونت

به منظور ارزیابی نقش بافت های فضایی-کالبدی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی مناطق شهری در شکل گیری الگوهای تأخیر در ازدواج تفاوت میان پهنه های پنج گانه سکونت در شهر تهران (شامل پهنه های شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) نیز با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک راهه مورد بررسی قرار گرفت. شاخص های توصیفی به همراه نتایج آزمون تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی در جدول ۱۴ منعکس شده است.

بر اساس یافته های توصیفی، بالاترین میانگین گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی مربوط به زنان ساکن در پهنه شمال تهران با میانگین ۳.۸۵ (و انحراف معیار ۰.۸۲) است. در مراتب بعدی، پهنه مرکز با میانگین ۳.۵۸ (انحراف معیار ۰.۸۹)، پهنه شرق با میانگین ۳.۵۲ (انحراف معیار ۰.۸۷)، پهنه غرب با میانگین ۳.۴۶ (انحراف معیار ۰.۸۵) و در نهایت پهنه جنوب تهران با کمترین میانگین معادل ۳.۲۸ (انحراف معیار ۰.۹۱) قرار دارند.

نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک راهه نشان می دهد که تفاوت مشاهده شده در میانگین گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی میان پهنه های مختلف سکونت، در سطح خطای کمتر از یک درصد از لحاظ آماری معنادار است ($F = ۵.۳۲$ ، $p < ۰.۰۱$). برای تعیین دقیق کانون تفاوت های جغرافیایی، آزمون تعقیبی شفه اجرا شد. نتایج این آزمون نشان داد که تمایز اصلی و معنادار آماری میان زنان ساکن در پهنه شمال و پهنه جنوب تهران وجود دارد ($p < ۰.۰۵$)؛ به طوری که نمره گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی در میان زنان ساکن در مناطق شمالی پایتخت به طور معناداری بالاتر از هم تایان خود در پهنه جنوب است، در حالی که تفاوت سایر پهنه ها (مرکز، شرق و غرب) با یکدیگر در مراتب میانی قرار داشته و تفاوت آماری حادی را با دو قطب شمال و جنوب نشان نمی دهد.

از منظر تحلیل جامعه شناختی شهری، این شکاف فضایی بازتاب دهنده نابرابری در توزیع سرمایه های اقتصادی و فرهنگی در کلان شهر تهران است. در پهنه شمالی، عواملی نظیر برخورداری بالاتر از استقلال اقتصادی و اشتغال پایدار، پذیرش و نهادینه شدن هنجارهای مدرن و فردگرایانه، بالا بودن سطح تحصیلات، دسترسی به امکانات فراغتی متنوع، و تقلیل فشار هنجاری خانواده ها و شبکه های خویشاوندی برای ازدواج زود هنگام، بستر مساعدتری را برای تعویق عاقدانه تشکیل خانواده و حتی ترجیح مجرد زیسته فراهم می آورد. در مقابل، در پهنه جنوب، با وجود فشارهای سنگین تر ناشی از عدم قطعیت های اقتصادی، ساختار سنتی تر خانواده، پیوندهای هنجاری محلی و فشارهای اجتماعی کماکان ازدواج را به عنوان یکی از مهم ترین مسیرهای هویتی و امنیتی برای زنان بازتولید می کند.

جدول ۱۴: مقایسه پهنه های سکونت در گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی

پهنه سکونت	میانگین	انحراف معیار	F	p	نتیجه آزمون شفه
------------	---------	--------------	---	---	-----------------



ICPSE
2026

تفاوت معنادار با پهنه جنوب	۰.۰۱<	۵.۳۲	۰.۸۲	۳.۸۵	شمال
			۰.۹۱	۳.۲۸	جنوب
			۰.۸۷	۳.۵۲	شرق
			۰.۸۵	۳.۴۶	غرب
			۰.۸۹	۳.۵۸	مرکز

۳. مقایسه وضعیت اشتغال

به منظور ارزیابی نقش موقعیت شغلی و مشارکت اقتصادی در تمایل زنان به تعویق انداختن تشکیل خانواده، تفاوت میان دو گروه زنان شاغل و زنان غیرشاغل از حیث میزان گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی با استفاده از آزمون تی مستقل بررسی شد. مشخصات توصیفی، درجات آزادی، آماره آزمون و سطوح معناداری در جدول ۱۵ گزارش شده است. بر اساس شاخص های آماری مندرج در جدول ۱۵، میانگین نمره گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی در میان زنان شاغل ($N=273$) برابر با ۳.۷۲ (با انحراف معیار ۰.۸۶) و در میان زنان غیرشاغل ($N=127$) معادل ۳.۱۸ (با انحراف معیار ۰.۹۲) محاسبه گردید. نتایج آزمون تی برای گروه های مستقل با ۳۹۸ درجه آزادی نشان می دهد که این تفاوت از حیث آماری در سطح خطای کمتر از ۰.۰۰۱ کاملاً معنادار است ($t(398)=4.68, p<0.001$). به بیانی روشن، زنان شاغل به طور معناداری گرایش و تمایل بیشتری به تعویق سن ازدواج و احتمال مجرد قطعی در مقایسه با زنان غیرشاغل از خود نشان می دهند. از منظر تحلیل نظری و تبیین جامعه شناختی، اشتغال به عنوان موتور محرک استقلال مالی و عاملیت فردی زنان عمل می کند. دستیابی به درآمد مستقل و پیوستن به فضای حرفه ای، وابستگی سنتی زنان به نهاد خانواده و همسر به عنوان یگانه منبع تأمین معیشت و امنیت اقتصادی را کاهش می دهد. علاوه بر این، اشتغال سبب گسترش شبکه روابط اجتماعی، ارتقای عزت نفس و منزلت اجتماعی شده و در نتیجه هزینه فرصت ازدواج های زود هنگام یا ناسازگار با اهداف شغلی را به شدت بالا می برد. از سوی دیگر، دشواری های ناشی از فقدان توازن میان نقش های شغلی و وظایف بازتولیدی سنتی (مادری و همسری) در غیاب سیاست های حمایتی کافی، انگیزه های زنان شاغل را برای طولانی تر کردن دوران مجرد و حفظ استقلال زیسته دوجندان می سازد؛ در حالی که برای زنان غیرشاغل، ازدواج همچنان به عنوان یک مسیر سنتی، ایمن و مورد انتظار جهت تثبیت پایگاه اقتصادی-اجتماعی تلقی می شود.

جدول ۱۵: مقایسه زنان شاغل و غیرشاغل در گرایش به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	df	p
شاغل	۲۷۳	۳.۷۲	۰.۸۶	۴.۶۸	۳۹۸	۰.۰۰۱<
غیرشاغل	۱۲۷	۳.۱۸	۰.۹۲			

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین مکانیسم های شکل گیری تأخیر در سن ازدواج و گرایش به مجرد قطعی در میان زنان شهر تهران، به واکاوی تجربی نقش مؤلفه های استقلال اقتصادی، تغییر هنجارهای همسرگزینی و ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی پرداخت. در دهه های اخیر، جامعه شهری ایران به ویژه کلان شهر تهران، گذار شتابانی را از حیث هنجارهای جمعیتی، ساختارهای خانوادگی و الگوهای فردیت یابی تجربه کرده است. یافته های به دست آمده از تحلیل داده های ۴۰۰ نفر از زنان هرگز ازدواج نکرده



ICPSE
2026

۲۵ تا ۴۵ سال نشان داد که مدل رگرسیونی مرکب از این سه متغیر توانسته است ۴۸.۰ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کند که نشان دهنده برازش مطلوب و قدرت پیش بینی بالای چارچوب مفهومی پژوهش است. در ارتباط با فرضیه اول، نتایج نشان داد که میان استقلال اقتصادی زنان و گرایش به تأخیر در ازدواج یا مجرد قطعی، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و استقلال اقتصادی به تنهایی ۳۳.۶ درصد از واریانس متغیر ملاک را تبیین می کند ($\beta=0.38$) این یافته با نتایج مطالعات پیشکار و همکاران (۱۴۰۳)، Ni (2025) هم راستاست. بر مبنای این تبیین، در الگوهای سنتی، ازدواج یگانه سازوکار بقای اقتصادی و دستیابی زنان به امنیت مالی به شمار می رفت؛ در حالی که دستیابی روزافزون زنان به تحصیلات تکمیلی، اشتغال پایدار و درآمد مستقل، منفعت اقتصادی حاشیه ای ازدواج را کاهش داده و هزینه فرصت تشکیل خانواده (نظیر فدا کردن زمان شغلی یا استقلال مالی) را افزایش داده است. بنابراین، زنان دارای استقلال مالی، پیوند زناشویی را نه از موضع نیاز اضطراری، بلکه به عنوان یک انتخاب سنجیده ارزیابی می کنند و در صورت عدم دستیابی به شرایط ایده آل، مجرد را ترجیح می دهند.

در بررسی فرضیه دوم، نتایج حاکی از آن بود که تغییر هنجارهای همسرگزینی با ضریب استاندارد $\beta=0.46$ قوی ترین پیش بین تمایل به تأخیر در ازدواج بوده و به تنهایی ۴۱.۲ درصد از تغییرات واریانس را توضیح می دهد. این نتیجه مؤید یافته های رشوند سرخکوله و همکاران (۱۴۰۲) و مداحی و همکاران (۱۴۰۰) است. از منظر جامعه شناختی این یافته بیانگر وقوع نوعی شکاف یا تأخر فرهنگی میان مطالبات نوین زنان و واقعیت های ساختار پدرسالارانه سنتی است. زنان مورد مطالعه، به واسطه دستیابی به سرمایه فرهنگی و دانشگاهی بالاتر، خواستار همسانی فکری، تقسیم عادلانه نقش های خانگی و به رسمیت شناخته شدن عاملیت فردی خود در رابطه مشترک هستند. تقابل این انتظارات برابری خواهانه با مقاومت های ساختاری یا بازتولید الگوهای سنتی مردسالارانه در بازار همسرگزینی، منجر به پدیده تنگنای ازدواج معکوس شده و فرآیند گزینش را با وسواس، طرد گزینه ها و در نتیجه استمرار مجرد همراه می سازد.

در خصوص فرضیه سوم، یافته های رگرسیون گام به گام تأیید کرد که متغیر ادراک عدم قطعیت های اقتصادی-اجتماعی به عنوان یک پیش بین کمکی، سهم معناداری در ارتقای توان مدل نهایی ایفا نموده و ضریب تعیین را به ۴۸.۰ درصد می رساند ($\beta=0.29$). این نتیجه با نظریه تشکیل خانواده در شرایط عدم قطعیت و یافته های (Bolano and Vignoli (2021 و Vignoli et al. (2020) انطباق کامل دارد. در بستر نوسانات کلان اقتصادی، تورم ساختاری، بحران مسکن و پیش بینی ناپذیری آینده شغلی در جامعه، ازدواج به عنوان اقدامی پرریسک با تعهدات مالی بلندمدت ادراک می شود. در چنین شرایطی، روایت های ذهنی منفی از چشم انداز اقتصادی آینده، سبب اتخاذ راهبرد انتظار احتیاطی از سوی جوانان می شود که در طول زمان می تواند تأخیرهای مقطعی را به مجرد ناخواسته یا قطعی تبدیل نماید.

علاوه بر آزمون فرضیه ها، یافته های مقایسه ای جمعیت شناختی بینش های جغرافیایی و نهادی ارزشمندی به دست داد:

۱. عامل سن: افزایش میانگین گرایش به مجرد با گذر از سن ۳۵ سالگی ($F=8.47$) نشان می دهد که مجرد در ابتدا غالباً رویکردی موقت یا استراتژیک برای تثبیت شغلی-تحصیلی است، اما با ورود به میانسالی و خو گرفتن به زیست مستقل، به یک سبک زندگی پایدار و هویتی نهادینه شده بدل می گردد؛ امری که با پژوهش های دهقان حصار و همکاران (۱۴۰۱) و Shahrak et al. (2021) هم پوشانی دارد.
۲. عامل پهنه سکونت: معنادار بودن تفاوت پهنه شمال با جنوب تهران ($F=5.32$) نشان دهنده تجلی فضایی نابرابری های اجتماعی-اقتصادی است. پهنه شمال با تمرکز سرمایه های نمادین و اقتصادی، رواداری اجتماعی بالاتری نسبت به سبک زندگی مجردی نشان می دهد، در حالی که در پهنه جنوب، علیرغم تنگناهای معیشتی، فشارهای هنجاری و شبکه های سنتی کماکان ازدواج زودهنگام را تحمیل می کنند.
۳. عامل اشتغال: تفاوت چشمگیر میانگین زنان شاغل ($M=3.72$) نسبت به غیرشاغل ($M=3.18$) از طریق آزمون تی

($t=4.68$) بار دیگر اثبات کرد که پیوستن به بازار کار به مثابه موتور محرک بازتعریف نقش های جنسیتی عمل کرده و وابستگی به نهاد خانواده را می کاهد.

پیشنهادهای کاربردی و سیاستی:

۱. توسعه سیاست های موازنه بخش کار و زندگی: اعطای تسهیلات به زنان شاغل نظیر ساعات کاری منعطف، دورکاری و تأسیس مهدکودک های سازمانی جهت کاهش هزینه فرصت ازدواج.
۲. بازنگری در محتوای مشاوره های پیش از ازدواج: آموزش مهارت های ارتباطی نوین، مدیریت مالی مشترک و پذیرش نقش های جنسیتی برابری خواهانه برای رفع تعارضات هنجاری در همسرگزینی.
۳. سیاست گذاری اقتصادی و منطقه محور: تفکیک بسته های حمایتی در کلان شهر تهران؛ تمرکز بر حمایت های معیشتی و مسکن در پهنه جنوب، و مشاوره های تسهیل گر فرهنگی در پهنه شمال.
۴. کاهش ریسک اقتصادی پیوند زناشویی: حرکت از وام های مقطعی به سوی بسته های پایدار امنیت رفاهی (تسهیلات اجاره بلندمدت و بیمه شغلی زوجین) برای تعدیل ادراک عدم قطعیت اقتصادی.

منابع

- پیشکار، سمیه، ادهمی، عبدالرضا، و دهقان، حسین. (۱۴۰۳). عوامل مؤثر بر مجردگزینی زنان شاغل. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۱۱(۴۱)، ۹۱-۱۲۱.
- دهقان حصار، مهناز، حاج حسینی، منصوره، غلامعلی لواسانی، مسعود، و حجازی موغاری، الهه. (۱۴۰۱). مجردزیستی در دختران مجرد: مطالعه پدیدارشناختی چالش ها و راهبردها. رویش روان شناسی، ۱۱(۱۲)، ۱۳-۲۴.
- رشوند سرخکوله، مرجان، وجدانی، فاطمه، و لاریجانی، مهسا. (۱۴۰۲). نگرش به نحوه انتخاب همسر در میان دختران دانشجو و عوامل مرتبط با آن. نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ۱۸(۳۶)، ۹-۵۰.
- کلاته ساداتی، احمد، صادقیه، سارا، جعفری نعیمی، فاطمه، و صادقان مقدم، زهرا. (۱۴۰۲). برهمکنش فرهنگ و مجرد: واکاوی ابعاد فردی و اجتماعی-فرهنگی طولانی شدن دوران مجرد دختران در شهر یزد. نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ۱۸(۳۶)، ۵۱-۹۱.
- مداحی، جواد، زارع، بیژن، سراج زاده، سید حسین، و حبیب پور گتایی، کرم. (۱۴۰۰). مسئله مجرد: سوز و زیست جهان نوپدید دختران شهر تهران. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۲(۱)، ۷-۴۳.

- Berg, L., & Verbakel, C. M. C. (2024). The link between singlehood in young adulthood and effects of romantic separation. *Demographic Research*, 45, 141-186.
- Bolano, D., & Vignoli, D. (2021). Union formation under conditions of uncertainty. *Demographic Research*, 45, 141-186.
- Dederichs, K., Akimova, E., & de Graaf, N. D. (2026). Who Remains Single? Educational Gradients in Long-Term Singlehood Across Ethnic Groups. *Journal of Marriage and Family*, 88(2), 505-521.
- Florea, D. (2022). Changing mind, changing plans? Instability of individual gender attitudes and postponement of marriage in Germany. *Demographic Research*, 47, 777-792.
- Gietel-Basten, S., Marois, G., Torabi, F., & Kabiri, K. (2024). Reframing policy responses to population aging in Iran. *Genus*, 80(1), 8.
- Hara, Y., & Yu, W. H. (2025). Mate preferences and marriage-related behaviors: The case of Japan. *Journal of Marriage and Family*, 87(4), 1361-1386.
- Jung, G., Ko, Y., & Jeong, S. (2026). Rethinking Delayed Marriage and Fertility Decline in East Asia: An Intersectional Analysis of Gender, Feminism, and Generation in the South Korean Case. *Sociology Compass*, 20(8), e70235.
- Kislev, E. (2024). Singlehood as an identity. *European Review of Social Psychology*, 35(2), 258-292.
- Ni, S. (2025). Perceived economic uncertainties and childbearing intentions among young cohorts in China: a multinomial analysis. *Journal of Biosocial Science*, 57(2), 296-314.
- Shahrak, S. P., Brand, S., & Taghizadeh, Z. (2021). Living with singleness: needs and concerns of never-married women over 35. *BMC psychology*, 9(1), 129.



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

- Shahrak, S. P., Brand, S., & Taghizadeh, Z. (2023). **Coping with singleness**. *Women's midlife health*, 9(1), 3.
- Shi, J. (2026). **Challenging traditional marriage norms: A gendered analysis of delayed first marriage in China**. *SAGE Open*, 16(1), 21582440251412710.
- Sideris, M. (2026). **The stickiness of singlehood: Single women and the accumulation of affect**. *The Sociological Review*, 74(1), 1-17.
- Torabi, F., & Bagi, M. (2024). **Determinants of early marriage in Iran: a multivariate survivorship analysis using census microdata**. *International Journal of Adolescence and Youth*, 29(1), 2312849.
- Vignoli, D., Bazzani, G., Guetto, R., Minello, A., & Pirani, E. (2020). **Uncertainty and narratives of the future: A theoretical framework for contemporary fertility**. In *Analyzing contemporary fertility* (pp. 25-47). Cham: Springer International Publishing.
- Vignoli, D., Minello, A., Bazzani, G., Matera, C., & Rapallini, C. (2021). **Economic uncertainty and fertility intentions: The causal effect of narratives of the future** (No. 2021_05). *Universita'degli Studi di Firenze, Dipartimento di Statistica, Informatica, Applicazioni G. Parenti*.